

هفت مفهوم مؤثر در اسناد بین‌المللی حفاظت پس از منشور ونیز بر حفاظت از میراث روستایی*

مهدی صادق‌احمدی** رضا ابوئی*** هادی ندیمی****

چکیده

اسناد بین‌المللی حفاظت، از مهم‌ترین دستاوردهای همکاری جامعه جهانی و چکیده تجربیات بین‌المللی و نشان‌دهنده سیر رشد دانش در زمینه حفاظت است. توسعه واژگان مفهومی و ورود مفاهیم جدید به این اسناد سبب تقویت مبانی نظری حفاظت و توجه کامل‌تر به الگوهای پیچیده‌تر میراثی شده است که از جمله «میراث روستایی» است. طرح برخی از این مفاهیم مستقیماً بر پذیرش ابعادی مغفول از روستا، به عنوان بخشی از میراث بشری و ورود برخی دیگر از آن‌ها برای ارائه رویکردهای پیچیده‌تر و چندجانبه در مواجهه با آن تأثیرگذار بوده است. هدف این مقاله تبیین و توضیح مفاهیم مؤثر بر تکوین و بسط مفهوم میراث روستایی در این اسناد و بیان نسبت هر یک از این مفاهیم با مفهوم میراث روستایی و تأثیر متقابل آن‌ها بر تغییر رویکردهای حفاظت از میراث روستایی است. این مقاله محصول بررسی و تحلیل محتوای حدوداً چهل سند منتسب به سه نهاد بین‌المللی یونسکو، ایکوموس و شورای اروپا است و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی کردن متن اصلی اسناد انجام شده است. ماهیت این بررسی‌ها در ذیل روش‌های تحقیق کیفی قرار می‌گیرد و راهبرد این تحقیق توصیفی-تحلیلی است. در نوشته حاضر به سابقه پیدایش هفت مفهوم «میراث زنده، کیفیت و شیوه زندگی، پایداری، دیدگاه فرهنگی، بوم‌زادی، میراث ناملموس و روح مکان» توجه شده که بر تکوین و تکامل مفهوم میراث روستایی بسیار تأثیر داشته‌اند و ارتباط آن‌ها با همدیگر از طریق وجوه ارزشی روستا بررسی شده است. این بررسی‌ها نشان می‌دهد: شناخت عمیق‌تر هر یک از این مفاهیم ابعاد گسترده‌تری از مفهوم میراث روستایی را روشن می‌سازد تا جایی که میراث روستایی به مفهوم کل روستا نزدیک می‌شود. تحلیل کردن سیر تکامل مفهوم میراث روستایی، چشم‌اندازی را فراروی این مفهوم به ما نشان می‌دهد که در حل چالش هم‌پوندی و وجوه چندگانه آن و تأمل کردن درباره ارتقای این مفاهیم در تناسب با جهان‌بینی سازنده آن بسیار مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: میراث روستایی، میراث زنده، میراث بوم‌زاد، میراث ناملموس، اسناد بین‌المللی حفاظت.

* این مقاله بر اساس دستاوردهای بخشی از پژوهش دوره دکتری مرمت ابنیه و بافت‌های فرهنگی آقای مهدی صادق‌احمدی در دانشگاه هنر اصفهان با عنوان «تداوم حیات روستا؛ تدوین اصول و مبانی منشور حفاظت از ارزش‌های روستایی» با راهنمایی جناب دکتر هادی ندیمی و دکتر رضا ابوئی است.

** پژوهشگر دکتری مرمت ابنیه، دانشگاه هنر اصفهان. (نویسنده مسئول) m_sadeghahmadi@yahoo.com

r.abouei@au.ac.ir

H.Nadimi@sbu.ac.ir

*** دانشیار، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان.

**** استاد، دانشکده معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

مقدمه

در سال ۱۹۶۴ م. گردهمایی‌ای بین‌المللی در ونیز از طرف معماران و استادکاران حفاظت ۶۱ کشور و نمایندگان نهادهای بین‌المللی یونسکو، ایکوم و شورای اروپا تشکیل و به تأسیس نهاد بین‌المللی ایکوموس منجر شد. منشور ونیز، رهنمود بنیادین اخلاقی ایکوموس و نتیجه این گردهمایی است و از مهم‌ترین اسناد حفاظت محسوب می‌شود. (یوکیلتهو، ۱۳۸۷: ۳۱۵) ایکوموس، یونسکو و شورای اروپا از نیمه دوم قرن بیستم به این طرف، سو بیش از پنجاه سند با عناوین مختلفی چون: بیانیه، توصیه‌نامه، منشور، راهنما؛ و معاهده در زمینه مرمت، حفاظت و میراث فرهنگی؛ تدوین، تصویب و منتشر نموده‌اند. این مجموعه «اسناد بین‌المللی حفاظت» امروزه بخشی از هویت علم حفاظت محسوب می‌شود و محصول تجربیات عملی و دانش مورد توافق در سطح جامعه جهانی است. اسناد بین‌المللی حفاظت نشان‌دهنده مبانی نظری و راهبردهای حفاظت، ابعاد میراث و تهدیدهای متوجه آن در زمان تصویب خود هستند. اهمیت و اعتبار این اسناد در آن است که مورد تأیید بخش زیادی از متخصصان و فصل مشترک نظریات آنها در ابعاد جهانی است.

در طول پنجاه سال گذشته دایره ارزش‌های میراثی گسترش یافته و مفاهیم جدیدی در اسناد مطرح شده‌اند که در منشور ونیز به آن اشاره‌ای نشده بود. ورود برخی از این مفاهیم به حوزه حفاظت، در فهم کامل‌تر دو مفهوم بنیادین «میراث» و «حفاظت» مؤثر بوده‌اند. ورود مفاهیم نو موجب گسترش مفهوم میراث با ارزش‌های جدید شده‌اند و متناسب با آن انتخاب رویکردهای کامل‌تر در حفاظت از الگوهای پیچیده‌تر میراث و میراث روستایی ضرورت یافته است.

این مقاله به دنبال پاسخ این سؤال است که مفاهیم جدیدی که پس از منشور ونیز به اسناد مذکور وارد شده‌اند، چه حوزه‌های ارزشی را به مفهوم میراث روستایی افزوده و چگونه این مفهوم را گسترش داده‌اند؟ و دیگر اینکه حوزه‌های جدید چه تأثیری در انتخاب رویکرد و روش‌های حفاظت از این میراث دارند؟ آیا الگوی این تکامل و بسط مفهومی می‌تواند به سایر وجوه مغفول میراث روستایی در اسناد یادشده، - متناسب با مفاهیم ایرانی اسلامی - تسری یابد؟ ضرورت و اهمیت این بررسی در آن است که خلأ مبانی نظری متناسب با ماهیت پیچیده و در هم تنیده و در عین حال غیر تشریفاتی و بسیط میراث روستایی باعث شده بسیاری از مداخلات این حوزه، توفیق زیادی در احیا و تداوم روستا نداشته باشند. روستا به عنوان پدیده‌ای کهن و باقیمانده از

عالم سنت، مقیاس ویژه‌ای از سکونتگاه و نمودار هم‌آهنگی انسان و طبیعت در ورای سالیان دراز، که دارای وجوه مختلف در هم تنیده کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و... است، نیازمند مبانی نظری حفاظت ویژه است. این موضوع نیازمند بازخوانی مفهوم میراث روستایی و حفاظت از آن در مقیاس مبانی است؛ زیرا بخشی از عدم توفیق در مداخلات روستایی حتی آنهایی که با عنوان مرمت یا بهسازی صورت گرفته است، ناشی از عدم توافق و صلح بر ابعاد گسترش یافته اصطلاح «میراث روستایی» و ظرافت و شکنندگی آن در قبال بی‌توجهی به برخی از این ابعاد است. تبیین ابعاد مفهوم میراث روستایی و این که میراث روستایی امروزه مفهومی بسیار نزدیک با روستا به عنوان یک کل ارزشمند یافته است. و تحلیل چگونگی این روند از اهداف پژوهش حاضر است.

در این پژوهش پس از مروری بر پیشینه و روش پژوهش ابتدا ضمن تبیین هفت مفهوم مؤثر در گسترش مفهوم میراث در اسناد بین‌المللی حفاظت و با اشاره به روند پیدایش مفاهیم نو، نسبت هر یک با میراث روستایی به طور مستقل تحلیل خواهد شد. سپس با تحلیل فراگیر و کلی روند تکامل مفهوم میراث روستایی و با ارائه شواهدی کلی به ارائه و تبیین چشم‌انداز آن در آینده پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش

سیر تحول نظری مفهوم میراث بیش از همه در اسناد بین‌المللی حفاظت مطرح شده است. اشاره مستقیم به «میراث معماری روستایی» در اسناد شورای اروپا از دهه ۷۰ میلادی قرن بیستم آغاز شده است. تکمیل مفهوم «میراث روستایی» نیز به خصوص در اسناد همین نهاد بیشتر توجه شده است. آنگونه که در یکی از اسناد آمده است؛ «تا سال‌های اخیر، میراث روستایی در موارد محدودی همچون بناهای کشاورزی خلاصه می‌شد... اما امروزه طراحان تعریف گسترده‌تری از میراث دارند که عناصر ملموس و ناملموس را در برمی‌گیرد و بیان‌کننده رابطه خاص جامعه انسانی با یک سرزمین و استقرار در آن در ورای زمان است.» (Council of Europe, 2003: 8)

سیر تحول مفاهیم و راهبردها در اسناد بین‌المللی حفاظت، تاکنون در چندین پژوهش در حوزه شهری تحلیل و بررسی شده است. یوکا یوکیلتهو در پژوهش‌هایش تعاریف میراث فرهنگی در اسناد کشورهای مختلف را بررسی کرده و به طور ضمنی به مقایسه این مفاهیم و تعاریف در زمان‌های مختلف پرداخته است. (Jokilehto, 1987; Jokilehto, 2005; Jokilehto, 2008)؛ اما توجه به رابطه این اسناد با میراث روستایی بسیار کمتر بررسی شده است. سید علی اکبر کوششگران در رساله دکتری اش

مفاهیم نو در اسناد بین‌المللی حفاظت و تحلیل نسبت آنها با میراث روستایی

ظهور مفاهیم نو در اسناد حفاظت، از تجارب عملی این علم متأثر است و همزمان با درک گسترش تهدیدها بر میراث بشری صورت می‌پذیرد. از آنجا که «میراث مفهومی است که در پی تنوع روزافزون، به طور مداوم در حال تحول است» (Jokilehto, 2005: 5) بهره‌گیری از تعابیر و مفاهیم جدید در اسناد حفاظت، امری ناگزیر است تا ظرفیت ارزش‌های جدید را نشان دهند. در حالی که در ابتدا متولیان تعریف میراث را به زمان سپردند، (حجت، ۱۳۸۰: ۷۶) در طی بیش از پنجاه سال با گسترش دایره ارزش‌های میراث، مفهوم «میراث» نیز تغییر یافته و امروزه از آن به عنوان یک «مفهوم گسترش‌یافته با دلالت ضمنی بر حوزه‌ای وسیع»^۲ (Jokilehto, 2005: 5) «مفهومی چندین سویه»^۳ (Council of Europe, 2005: 2) و «با ارزش‌های چندوجهی»^۴ (ICOMOS, 2003: 4) یاد می‌شود. این روند در تغییر و بسط رویکردها، راهبردها و روش‌های حفاظت نیز تأثیر گذار بوده است.

همچنین در حوزه میراث روستایی، طرح مفاهیم جدید می‌تواند ابعاد وسیع‌تر، عمیق‌تر و کامل‌تری از روستا را به عنوان میراث نمایان ساخته و ضرورت حفاظت متناسب با این ابعاد را تبیین نماید. از میان مفاهیم جدید هفت مفهوم در معرفی ارزش‌های جدید میراث روستایی و یا در تمهید راهبردهای جدید - در تناسب بیشتر با ماهیت روستا - تأثیر بسزایی داشته‌اند و هر یک نقطه عطفی در مبانی نظری حفاظت از روستا هستند که عبارت‌اند از: میراث زنده، کیفیت و شیوه زندگی، پایداری، منظر فرهنگی، بوم‌زادی، میراث ناملموس و روح مکان.

معرفی مفاهیم نو و روند پیدایش آنها در اسناد حفاظت

بسیاری از مفاهیم نو در اسناد حفاظت ممکن است برای سال‌ها در نظریات متفکران و پژوهشگران این حوزه یا در علوم مرتبط با آن مطرح بوده و مورد بحث باشند؛ اما ورود آنها به اسناد بین‌المللی به منزله اجماع و اشتراک نظر متولیان اسناد است و نشان از میزان رسمیت یافتن آنها - بسته به نوع سند - دارد. به عنوان مثال بحث درباره میراث زنده از قرن ۱۹ مطرح بوده است. همچنین مفهوم مکان از مفاهیم دیرینی است که در حفاظت ابتدا در سند ملی ای‌کوموس استرالیا در منشور بورا مطرح شده و پس از آن به اسناد بین‌المللی راه یافته است. همچنین برخی مفاهیم از حوزه‌های دیگر علوم آمده‌اند، از جمله مفهوم «منظر فرهنگی» که از حوزه جغرافیا به اسناد حفاظت راه یافته است.

محتوای تنها شش منشور اصلی حفاظت را از ۱۹۳۱ تا ۱۹۹۹ میلادی به عنوان نقاط عطف منشورهای بین‌المللی بررسی کرده است. وی در تحقیقش سیری را از «تبیین مفهوم عام میراث تا تولد مفهوم خاص میراث روستایی» طی نموده است. (کوششگران، ۱۳۸۶: ۷۱)

موضوع اصلی مقاله حاضر تبیین سیر تکاملی مفهوم میراث روستایی و چشم‌انداز آن از طریق تبیین و تحلیل رابطه مهم‌ترین مفاهیم جدید با آن است که به طور مشخص پیش از این انجام نشده است. در این مقاله آن بخش از مفاهیم جدید و مؤثری مدنظر قرار گرفته که تلازم بیشتری با روستا دارند و سایر مفاهیم نو مرتبط با دیگر کرانه‌های جدید^۱ میراث بررسی نشده‌اند. این مقاله محدوده اسناد بین‌المللی پنجاه‌ساله ۱۹۶۴ تا ۲۰۱۴ م. را مورد بررسی قرار می‌دهد. این بررسی بر اسناد ای‌کوموس، یونسکو و شورای اروپا متمرکز است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که اگرچه نقد و بررسی برخی اقدامات مثبت و تجربیات عملی حفاظت از میراث روستایی، موضوعی در خور توجه است اما از آنجا که نظر همیشه بر عمل مقدم است، بررسی نظری این مقاله پیش‌نیاز آن محسوب می‌شود. از این رو در این مقاله فرصت پرداختن به تجربیات عملی فراهم نبوده است.

روش پژوهش

این بررسی در ذیل روش‌های تحقیق کیفی قرار دارد و با راهبرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. گردآوری اطلاعات اولیه این مقاله بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متن اصلی اسناد سه نهاد بین‌المللی مذکور بوده است. تحلیل و بررسی صورت گرفته با مطالعه دقیق نزدیک به چهل سند، درک مقصد کلی و استخراج فرازهایی از آنها که به مبانی حفاظت و یا به مفاهیم میراث روستایی پرداخته‌اند، صورت پذیرفته است. تحلیل تطبیقی خروجی این مرحله کلیدواژه‌هایی را که نقاط عطف سیر تطور اسناد در زمینه میراث روستایی بوده، مشخص نموده است. تحقیق درباره ریشه مفهومی این کلیدواژه‌ها در میان آراء نظریه‌پردازان معماری و مرمت و جستجوی سابقه ظهور و ارتقا هر یک از این مفاهیم در اسناد مذکور در مرحله بعد صورت گرفته است. سپس رابطه مستقل هر یک از آنها، با میراث روستایی بر پایه برخی دیگر از فرازهای همین اسناد تحلیل شده تا بسط ارزش‌های مرتبط با آن روشن گردد. در مرحله نهایی با ارائه شواهدی از زوایای گوناگون، روند کلی تکامل میراث روستایی تحلیل و تفسیر شده و با اشاره به راه‌های پیموده نشده در این مسیر، چشم‌انداز تکامل آن در آینده ترسیم شده است.

مفاهیم جدید ابتدا در یک یا چند بیانیه و قطع‌نامه اشاره شده و پس از اجماع جهانی بر آنها در اسناد معتبری همچون منشورها و معاهدات در شکلی تکامل یافته ظاهر شده‌اند. چنانچه به مفهوم میراث بوم‌زاد از دهه ۸۰ در چندین بیانیه اشاره شده و پس از حدود دو دهه یک منشور مستقل ایکوموس به آن اختصاص داده می‌شود. جدول شماره ۱ به‌طور خلاصه روند پیدایش و تکرار مفاهیم موردنظر را در اسناد محدوده تحقیق نشان می‌دهد.

در ادامه این بخش با تکیه بر مهم‌ترین فرازهای اسناد حفاظت - ضمن معرفی چپستی هریک از مفاهیم هفت‌گانه - روند ارتقاء و اعتبار یافتن آنها در اسناد تبیین می‌گردد.

میراث زنده^۵

مفهوم یادمان زنده^۶ از قرن ۱۹ موضوع بحث مرمت‌گرانی همچون بوراسه^۷ (jokelihto, 1986: 273)، کارلو وبر^۸ (Ibid: 315) و کلوتک^۹ (Ibid: 389) بوده است و آن را در برابر یادمان مرده به کار می‌بردند. بر این اساس یادمان‌هایی زنده خوانده می‌شدند که هویت کارکردی آنها همچنان تداوم داشت. (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۲۱۷) این موضوع در بیانیه کنفرانس معماران در مادرید ۱۹۰۴ م. نیز تبیین شد. (jokelihto, 2005: 13)

این تقسیم‌بندی در زمان تدوین منشور ونیز رد شد؛^{۱۰} (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۳۱۵) اما در منشور فلورانس ۱۹۸۱ م. دوباره اصطلاح «یادمان زنده» این بار برای باغ تاریخی بکار رفت. (ICOMOS, 2004: 89) توجه به کیفیت وجودی باغ‌های تاریخی تعبیر جدیدی از میراث زنده را معرفی کرد که در آنها رنگ، نور، طراوت، فساد و تجدید رویش لزوماً با اجزاء زنده درخت، گیاهان، آب، پرندگان و ... مفهوم و معنا می‌یابد و از این پس مفهوم «میراث زنده» باز هم در اسناد حفاظت مورد توجه قرار گرفت.

مفهوم زنده بودن، البته محدود به حضور حیات نباتی و حیوانی در مکان میراثی نیست؛ چنانچه برخی نظریه‌پردازان متقدم شهری همچون پاتریک گدس^{۱۱} درباره مفهوم ارگانسیم زنده و تکامل تدریجی در شهرها سخن گفته‌اند. (Batty&Marshall, 2009: 553) در دهه اخیر اصطلاح «میراث زنده» دوباره رایج شده و با دو کلیدواژه «جامعه» و «تداوم» سنت‌ها و شیوه‌های آنها مرتبط شده است. (Wijesuriya, 2015: 1)

کیفیت و شیوه زندگی^{۱۲}

ضرورت تداوم شیوه‌های زندگی انسان و نحوه سکونت وی، وجه دیگری از زنده‌بودن میراث است که از دهه هفتاد در اسناد

حفاظت بر آن تأکید می‌شود. شورای اروپا ابتدا به ضرورت حفظ سبک زندگی روستایی و کیفیت طبیعی زندگی روستایی اشاره می‌کند (Council of Europe, 1979: 2) و پس از آن در معاهده حفاظت از میراث معماری بر ارزش «کیفیت زندگی» در محیط‌های روستایی (و شهری) و ضرورت نگهداری از بناهای واجد آن، «حتی اگر اهمیت ذاتی دیگری نداشته باشند»، تأکید می‌کند. (Council of Europe, 1985: 3) ایکوموس نیز در همان دوره سکونت‌گاه‌های کوچک را امانت‌دار شیوه‌های زندگی، شواهد فرهنگی و دربردارنده مقیاس درخور آن زندگی می‌داند. (ICOMOS, 1982: 2) ارزش سبک زندگی از این پس در اسناد دیگر از جمله منشور واشنگتن نیز مطرح می‌شود. (جدول شماره ۱)

پایداری

پایداری هرچند کاملاً از روند درونی اسناد حفاظت برنیامده است؛ لیکن تأثیرگذاری آن بر حفاظت امری انکارناپذیر است. مفهوم توسعه پایدار در دهه ۹۰ به گونه‌ای مطرح شد که دربردارنده اولویت «حفاظت و پایداری» نسبت به «تغییر و دگرگونی» - در مفهوم کلی آنها- است؛ زیرا «قلب رویکرد پایداری در این است که کیفیت زندگی برای نسل امروز و نسل آینده ضرورتاً محافظت شود و ارتقا یابد.» (Foley, 2010: 33) از آن پس توجه به پایداری، به رکنی اساسی در اسناد حفاظت مبدل شد. (جدول شماره ۱) علاوه بر این تاکنون (در اسناد متعدد) ضرورت ادغام حفاظت با توسعه پایدار، با توجه به ایده «میراث عامل توسعه» پیگیری شده است؛ اما تأکید ویژه بر آن در بیانیه پاریس ۲۰۱۱ م. اینگونه به اوج می‌رسد که ایکوموس خواستار به رسمیت شناختن میراث در کنار ستون‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی به عنوان «رکن چهارم توسعه پایدار» شده است. (ICOMOS, 2011: 2)

منظر فرهنگی^{۱۳}

خاستگاه مفهومی منظر فرهنگی متون جغرافی دانان فرانسوی قرن نوزدهم است که از ابتدای قرن بیستم در ایالات متحده نیز به کاررفت. (بامداد، ۱۳۹۴: ۵۲) در اسناد حفاظت برای اولین بار ایکوموس در کانادا و در ۱۹۸۲ م. آن را به کار برد. (Jokilehto, 2008: 17) یونسکو در ۱۹۹۲ م. این مفهوم را به عنوان الگویی از میراث، به تعاریف معاهده پاریس الحاق کرد. بر این اساس «منظر فرهنگی محدوده‌های آثار، ترکیبی از طبیعت و انسان را شامل می‌شود که گویای تکامل جامعه و سکونت بشری در ورای زمان و متأثر از محدودیت‌های فیزیکی و فرصت‌های

پایانی قرن بیستم توجه به تعریف میراث فرهنگی دچار تحولی بنیادین شده و از حوزه میراث ملموس به میراث ناملموس نیز تسری می‌یابد.» (ابویی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۹) تعریف یونسکو از میراث - در کنفرانس سیاست‌گذاری فرهنگی و در ۱۹۸۲ م. - به وجوه ناملموس میراث فرهنگی اشاره دارد و معاهده میراث ناملموس یونسکو در ۲۰۰۳ م. نیز سند رسمیت یافتن این وجه از ارزش‌های میراث است. بر این اساس «میراث فرهنگی ناملموس به معنای اقدام‌ها، نمایش‌ها، ابرازها، دانش، مهارت‌ها و نیز وسایل، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاهای فرهنگی مرتبط با آنها در میان جوامع، گروه‌ها و برخی افراد است.» (UNESCO, 2003: 1) از دهه ۹۰ تا به امروز اسناد زیادی در پی دغدغه وحدت ملموس و ناملموس بوده‌اند و خواهان یافتن راه‌هایی برای حفاظت توأمان این دو وجه میراث شده‌اند. (جدول شماره ۱) این اسناد خواهان تقویت وجوه ناملموس ارزش‌های میراثی شده‌اند (ICOMOS, 2003: 4) و بر معنای و ارزش‌ها و بستری که میراث ناملموس به اشیاء و مکان‌ها می‌بخشد، تأکید دارند. بر این اساس، میراث ناملموس نه تنها «معنایی کامل تر و غنی تر به میراث می‌بخشد؛ بلکه «به مثابه یک کل» بایستی در همه قانون‌گذاری‌های مرتبط با میراث مدنظر قرار گیرد. (ICOMOS, 2008: 3)

مکان و روح مکان^{۱۶}

در اسناد حفاظت توجه به کیفیت‌های مکان از ۱۹۷۹ م. در منشور بورا استرالیا آغاز می‌شود. در این منشور عبارت «مکان حاوی مضمون فرهنگی»^{۱۷} جایگزین و معادل واژه «میراث» شده است؛ زیرا مفهوم مکان ظرفیت کیفیت‌ها و ویژگی‌هایی از میراث را، فراتر از آنچه لزوماً تاریخی است، در خود دارد. به تعبیر منشور بورا، «مکان‌های حاوی مضمون فرهنگی، زندگی مردم را غنا بخشیده و غالباً حسی عمیق و الهام‌بخش از ارتباط با جامعه و منظر، گذشته و تجربیات زندگی فراهم می‌آورد.» (ICOMOS, ۲۰۰۴: ۶۲) توجه به مفهوم مکان با اشاره به ماهیت باغ به عنوان «مکانی» آرام و مساعد برای تماس انسان‌ها با سکوت و تعمق درباره طبیعت در منشور فلورانس (Ibid: ۸۹) و جایگزینی «واژه مکان به جای محوطه» در منشور گردشگری در ۱۹۹۹ م. (Ibid: ۱۳۹) نشان از توجه بیشتر به آثار میراثی دارد که «مکان» را به ظهور می‌رساند. (کوششگران، ۱۳۸۶: ۱۰۶) مفاهیم «حس مکان» و «روح مکان» در پی اهمیت یافتن مفهوم مکان به حوزه حفاظت راه یافتند. «روح مکان»^{۱۸} یک مفهوم کهن رومی است و طبق باور باستانی رومی هر موجود مستقل دارای روح محافظ خود است. این روح به مردم و مکان‌ها زندگی می‌بخشد و ویژگی یا ماهیت آنها را تعیین

موجود محیط طبیعی آنها و بر اثر فشارهای متوالی بیرونی و درونی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌شان شکل گرفته‌اند.» (UNESCO World Heritage Centre, 2012: 12) فرهنگی مفهومی است که سعی دارد به جای تجزیه ارزش‌ها، نگاه چندجانبه به ارزش‌های مختلف و وجوه چندگانه‌ی یک منظر را در خود داشته باشد. وجهی از رسمیت یافتن این مفهوم ناشی از تأمل در نوع تعامل دیرپای انسان با طبیعت در فرهنگ‌هایی با تلقی متفاوت، از جمله درباره محوطه‌های مقدس بود. (یوکیلپتو، ۱۳۸۷: ۹) برداشت از این مفهوم پس از دو دهه حضور در اسناد حفاظت همچنان در حال ارتقا است، چنانچه در بیانیه فلورانس ۲۰۱۴ م. ضرورت تغییر نگرش به منظرهای فرهنگی از «مناطق حفاظت‌شده»^{۱۴} به محدوده‌هایی «واجد آموزه برای مدل‌های جدید از توسعه» مطرح شده است. (ICOMOS, 2014: 4)

بوم‌زادی

اصطلاح «vernacular» عموماً معادل کلمه «بومی» ترجمه شده است، اما به لحاظ لغوی به معنای عامیانه در برابر رسمی و تشریفاتی است. در واقع دو وجه «عامیانه» و «بومی بودن» ویژگی‌های اساسی این واژه است. این اصطلاح تنها دلالت بر بوم‌آوردی مصالح و فنون ندارد؛ بلکه غیر تشریفاتی، بی‌پیرایه و عامیانه بودن را نیز شامل می‌شود. توجه به ویژگی بناها یا آثار بوم‌زاد به جهت نگرانی از انحصار میراث فرهنگی در آثار رسمی و تشریفاتی نشئت می‌گیرد. عبارت «معماری بوم‌زاد» تا پیش از آنکه اولین بار در ۱۸۳۹ م. در انگلستان به کار رود؛ به عنوان یک حوزه مهم پژوهش در مطالعات معماری و علوم اجتماعی مورد غفلت بود. (Dabaieh, 2011: 17) این مفهوم از دهه ۷۰ میلادی در اسناد حفاظت به کار گرفته است. گزارش سمپوزیوم ایکوموس در یزد ۱۹۷۲ م. درباره حفاظت از یادمان‌های خشتی، به نگرانی‌ها درباره مشکلات حفاظت از وجوه مختلف ساختمان‌های بوم‌زاد خشتی اشاره دارد. (UNESCO, 1986: 6) توصیه‌نامه یونسکو ۱۹۷۶ م. و بیانیه تلکس کالا ۱۹۸۲ م. - درباره تجدید حیات سکونت‌گاه‌های کوچک - نیز به میراث معماری بوم‌زاد اشاره داشته‌اند؛ اما منشور میراث ساخته‌های بوم‌زاد ۱۹۹۹ م. به طور خاص به موضوع حفاظت از این میراث و دانش، و توجه به مهارت و سنت پشتیبان خلق آن می‌پردازد. (جدول شماره ۱)

میراث ناملموس^{۱۵}

«توجه به اموال فرهنگی ناملموس از دهه ۵۰ میلادی در قانون حمایت از اموال فرهنگی ژاپن آغاز شده است. در دهه‌های

تحلیل نسبت هریک از مفاهیم مذکور با میراث روستایی

پس از تبیین هر یک از مفاهیم هفت‌گانه و سابقه پیدایش آنها در این بخش، نقش هریک از مفاهیم در بسط و تکامل مفهوم میراث روستایی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین ضرورت تکامل و ارتقا روش و رویکرد حفاظت مرتبط با مفهوم مورد بحث نیز مطرح می‌گردد، زیرا ضرورت دارد روش مواجهه با «ماهیت و هدف اثر» در حفاظت متناسب باشد. (ICOMOS, 2004: 89)

جدول شماره ۱- روند پیدایش و تکرار مفاهیم نو و مؤثر بر میراث روستایی در اسناد حفاظت بین‌المللی

مفهوم مؤثر	طرح اولیه مفهوم	معتبرترین اسناد	تکرار در برخی اسناد
میراث زنده	بیانیه گردهمایی معماران در مادرید ۱۹۰۴ م.	منشور فلورانس ۱۹۸۱ م.	منشور گردشگری ۱۹۹۹ م. - منشور میراث بومزاد ۱۹۹۹ م. - منشور میراث روستایی اروپا ۲۰۱۲ م.
کیفیت و شیوه زندگی	توصیه‌نامه میراث معماری روستایی اروپایی، ۱۹۷۹ م.	معاهده حفاظت از میراث معماری اروپا ۱۹۸۵ م. منشور واشنگتن ۱۹۸۷ م.	بیانیه‌ی تلکس کالا ۱۹۸۲ م. - منشور گردشگری فرهنگی ۱۹۹۹ م. - سند اصول والتا ۲۰۱۱ م. - بیانیه فلورانس ۲۰۱۴ م.
پایداری	کنفرانس سازمان ملل در ۱۹۹۲ م.	معاهده میراث ناملموس ۲۰۰۳ م. چشم‌انداز کیوتو ۲۰۱۲ م.	دستورالعمل آموزشی کلمبو ۱۹۹۳ م. - بیانیه سن آنتونیو ۱۹۹۶ م. - منشور اروپایی برای مناطق روستایی در ۱۹۹۶ م. - بیانیه پاریس ۲۰۱۱ م. - بیانیه هوآنگژو ۲۰۱۲ م. - سند «نارا+۲۰» ۲۰۱۴ م. - بیانیه فلورانس ۲۰۱۴ م.
منظر فرهنگی	ایکوموس کانادا در ۱۹۸۲ م.	الحاق یونسکو به معاهده پاریس در ۱۹۹۲ م.	شورای اروپا در ۱۹۹۵ م. - بیانیه سن آنتونیو ۱۹۹۶ م. - منشور میراث بومزاد ۱۹۹۹ م. - بیانیه کبک ۲۰۰۸ م. - بیانیه هوآنگژو ۲۰۱۲ م. - بیانیه فلورانس ۲۰۱۴ م.
بوم‌زادی	کنفرانس یزد ایکوموس حفاظت خشت، ۱۹۷۲ م. - توصیه‌نامه یونسکو ۱۹۷۶ م.	منشور میراث ساخته‌های بومزاد ۱۹۹۹ م.	- بیانیه تلکس کالا ۱۹۸۲ م. - گزارش میراث در خطر ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ م. - گزارش‌های کمیته CIAV بعد از ۲۰۰۰ م. - بیانیه پاریس ۲۰۱۱ م.
میراث ناملموس	کنفرانس سیاست‌گذاری فرهنگی یونسکو ۱۹۸۲ م.	معاهده میراث ناملموس ۲۰۰۳ م.	بیانیه سن آنتونیو ۱۹۹۶ م. - منشور میراث بومزاد ۱۹۹۹ م. - بیانیه کیمبرلی ۲۰۰۳ م. - بیانیه شیان ۲۰۰۵ م. - بیانیه کبک ۲۰۰۸ م. - بیانیه پاریس ۲۰۱۱ م.
مکان و روح مکان	منشور بورا ۱۹۷۹ م.	بیانیه کبک ۲۰۰۸ م.	منشور فلورانس ۱۹۸۱ م. - منشور گردشگری فرهنگی ۱۹۹۹ م. - سند اصول والتا ۲۰۱۱ م. - بیانیه پاریس ۲۰۱۱ م. - بیانیه فلورانس ۲۰۱۴ م.

(نگارندگان)

نسبت مفهوم میراث زنده با میراث روستایی

آنگونه که منشور فلورانس باغ را بازتاب توازن تحول و زوال طبیعت از یک سو و اراده هنرمندانه به ثبات از دیگر سو می‌داند، ویژگی زنده بودن، قابل تعمیم به روستا به عنوان یک مکان ذاتاً تاریخی و مشتمل بر بنا، باغ و مزرعه‌ها است. در روستا نیز از یک سو نوشدن طبیعت بازتابی روشن دارد و از سوی دیگر خرد جمعی هنرمندانه‌ای در طی سالیان، آن را متناسب با محیط و سرزمین انتظام ویژه‌ای بخشیده است؛ بنابراین وجهی از ارزش‌های میراث روستایی در چنین تعبیری از زنده بودن است. در سال‌های اخیر منشور میراث روستایی اروپا نیز، آن را به صراحت «میراث زنده» خوانده است و به کارگیری میراث روستایی را مطمئن‌ترین راه تداوم آن و رهایی از نگاه موزه‌ای می‌داند؛ (Council of Europe, 2012: 5) بنابراین امروزه زنده بودن به تداوم حیات انسانی و پویایی و تداوم جامعه روستایی اشاره دارد. آنگونه که در سندی از ایکروم «تداوم کاربری، تداوم ارتباطات اجتماعی، تداوم ابرازهای فرهنگی و تداوم مراقبت سنتی» به عنوان ابعاد «میراث زنده» یاد شده است؛ (Wijesuriya, 2015: 1-8) رویکرد حفاظت به میراث روستایی نیز بایستی با تداوم این ابعاد هماهنگ باشد. به عنوان مثال رویکرد موزه‌های روستایی^{۲۰} با وجود آنکه فرصتی برای مطالعه و ثبت ارزش‌های این میراث فراهم می‌سازد - به این دلیل که در تضاد با زنده بودن میراث در بستر خود است - ممکن است در تداوم آن توفیقی نیابد.

نسبت مفهوم کیفیت و شیوه زندگی با میراث روستایی

نکته قابل تأمل این است که توجه به این مفاهیم در اسناد، از موضوع حفاظت روستاها و سکونت‌گاه‌های کوچک شروع شده است. فرازهای مذکور بر اهمیت کیفیت و شیوه زندگی، به عنوان بخش غیرقابل تفکیک از ماهیت میراث روستایی تأکید دارند؛ به خصوص آنکه به مسئله مهم مقیاس متناسب زندگی با مکان اشاره دارد. به دلیل اهمیت شیوه زندگی در روستا از میراث روستایی به «میراث زندگی»^{۲۱} نیز تعبیر شده است. (Round, 2001: 4) توجه اخیر ایکوموس به «کیفیت زندگی روزانه برآمده از دانش سنتی» (ICOMOS, 2014: 6) ارزش‌های میراث زندگی روستایی را روشن‌تر می‌سازد. از این رو کیفیت زندگی روستایی وجهی مهم از مفهوم بسط یافته میراث روستایی است. حفظ شیوه زندگی و سکونت که عموماً راهبردی در جهت تسهیل حفاظت کالبدی بافت‌های تاریخی است، در روستاها ارزش ذاتی داشته و بایستی به عنوان یکی از اهداف حفاظت میراث روستایی مدنظر باشد. به عنوان نمونه در منشور مناطق روستایی اروپا بر اهمیت تداوم «تموذهای مثبت جامعه

روستایی» و به ویژه «زندگی خانوادگی سنتی»^{۲۲} و ارزش‌های آن تأکید شده است. (Council of Europe, 1996: 3) در بیانیه فلورانس ۲۰۱۴ م. نیز به «معنا، نماد و آیین مربوط به دانش و روش‌های سنتی زندگی» اشاره شده است. (ICOMOS, 2014: 6) بنابراین پژوهش، حمایت و ترویج الگوهای سنتی زندگی، بخشی از رویکردهای حفاظت از میراث روستایی به شمار می‌آیند.

نسبت مفهوم پایداری با میراث روستایی

پیش از طرح مفهوم پایداری، به تغییرات ناشی از توسعه به صورت تهدید، در برخی اسناد توجه شده است. از جمله درباره مقیاس «توسعه خدمات عمومی» و ظرفیت و احتیاط لازم در این مقوله در روستاها به طور جدی هشدار داده و بر «حفظ پیوستگی جوامع تاریخی روستایی با زمینه‌های طبیعی آنها» تأکید شده است. (UNESCO, 1976: 2) روستاهای کهن تا آن زمان آسیب‌های فراوانی از فرایندهای توسعه - بدون توجه به حفاظت - متحمل شده بودند.

ورود مفهوم پایداری به مقوله حفاظت از میراث روستایی به لحاظ نظری به معنای سوق راهبردهای حفاظت به راهکارهای چند رشته‌ای و متقابلاً پایان راهکارهای جزئی‌نگرانه در مواجهه با این میراث چندین سویه تلقی می‌شود. حتی ویژگی‌های ذاتی میراث روستایی سبب شد تا ایکوموس در سند «روستاهای تاریخی مان را نگاه داریم» از آن به عنوان تصویری موجود از آنچه ایده‌آل و آرمان توسعه پایدار خوانده می‌شد، یاد کند. (ICOMOS, 2001: 1) تناسب میراث روستایی با راهبردهای چندجانبه پایدار اشاره دارد و از سوی دیگر اهمیت حفظ و ارتقای میراث روستایی را نه تنها به عنوان میراث گذشته بلکه به عنوان راهکاری برای زندگی آینده بیان می‌کند.

امروزه با طرح مفهوم «حفاظت پایدار» - در اسناد متأخر - اختلاف نظری توسعه و حفاظت روستایی از میان رفته است. چنانچه شورای اروپا در ۲۰۱۲ م. در صدد تدوین منشور اروپایی برای میراث روستایی بر پایه ارتقای میراث به عنوان موتور پیشرانه توسعه پایدار بوده است. (Council of Europe, 2012: 5)

نسبت مفهوم منظر فرهنگی با میراث روستایی

بیانیه سن آنتونیو ۱۹۹۶ م. «مناظر روستایی» را بخشی از منظر فرهنگی می‌داند. مروری بر فهرست میراث جهانی نیز نشان می‌دهد که چندین منطقه روستایی با ارزش‌های چندگانه در این فهرست ثبت شده‌اند. مناظر فرهنگی روستایی «فوجیان تولو»^{۲۳} در چین، بامیان در افغانستان و میمند از

ایران نمونه‌هایی از این دست هستند.

«منظر فرهنگی روستایی» از میان چهار گونه مشخص منظر فرهنگی در تعریف یونسکو؛ با توجه به تأکید بر «تداوم فرایند تکاملی جامعه متناسب با شیوه زندگی سنتی و وجود شواهد مادی از این موضوع» (UNESCO World Heritage Centre, 2012: 98) جزئی از دسته «مناظر فرهنگی ارگانیک متداوم» محسوب می‌شود. این دسته از مناظر فرهنگی در واقع متضمن ویژگی‌های میراث زنده در دل خود هستند. بر اساس بیانیه سن آنتونیو حفاظت از میراث روستایی به‌عنوان منظر فرهنگی و حفظ شخصیت کلی^{۲۴} و ابعاد فرا کالبدی، و ارزش معنوی آن، ممکن است نسبت به حفاظت از جنبه‌های کالبدی اولویت و اهمیت بیشتری دارد. (ICOMOS, 1996: 4) «ماتیلد راسلر»^{۲۵} نیز در حفاظت از مناظر فرهنگی روستایی نکته ای بسیار مهم را حائز اهمیت می‌داند که آن ارتباط با جامعه محلی و شناخت «نظام حفاظتی سنتی» آنهاست و فهم عمیق آن را پیش‌شرط تعریف آن منظر می‌داند. (طالبیان و فلاحت، ۱۳۸۸: ۲۲)

نسبت مفهوم بوم‌زادی با میراث روستایی

اگر شهر به‌طور کلی جایگاه بروز میراث تشریفاتی باشد، روستا را باید جایگاه تبلور میراث «بوم‌زاد و عامیانه» بدانیم. معماری روستایی مصداق بارزی از این میراث است که در عین حال که تشریفاتی و رسمی نیست؛ بوم‌زاد، بی‌پیرایه و عادی است. میراث بوم‌زاد شامل ساختمان‌های روستایی، دهکده‌ها و سکونت‌گاه‌های روستایی است. (Jokilehto, 2008: 20) میراث بوم‌زاد با مصالح بومی گاهی اوقات از سازه‌های چوبی یا خشت و گل ساخته می‌شود. (ICOMOS, 2000: 1) در حالی که در منشور میراث، بوم‌زاد به واژه «روستا» اشاره‌ای نشده است، گزارش میراث درباره‌ی خطر ایکوموس در سال ۲۰۰۰ مخاطرات «میراث بوم‌زاد و روستایی» را در یک دسته‌بندی قرار داده است. این سند ضمن اشاره به تخلیه بسیاری از روستاها و نابودی آنها در بستر صنایع بزرگ یا پروژه‌های اصلاحات ارضی، تأکید می‌کند «بخش وسیعی از این میراث هنوز هم به‌طور شایسته شناسایی و حفاظت نمی‌گردد.» (Ibid: 1) طرح این مفهوم در واقع یکی دیگر از نقاط عطف و گسترش مفاهیم حفاظت از میراث روستایی در سیر تطور اسناد بین‌المللی است. میراث بوم‌زاد که بیان‌کننده کیفیت زندگی مردم عادی است، عموماً ویژگی‌های متمایزی از میراث رسمی در یادمان‌های برجسته و شاخص دارد و به همین نسبت نیازمند روش‌های حفاظت متناسب است. منشور میراث بوم‌زاد در ۱۹۹۹ م. به تبیین اصول حمایت و حفاظت از این‌گویی میراث می‌پردازد. (Ibid: 150)

نسبت مفهوم میراث ناملموس با میراث روستایی

از آنجا که در جوامع بومی و روستایی سنت‌های زنده بیشتری جاری هستند و شیوه‌های خاص زندگی بر مبنای فرهنگ عمیق از تأثیر متقابل انسان و طبیعت جریان دارد، موضوع حفظ میراث ناملموس و وحدت آن با وجوه ملموس و پیدای کالبدی و پدیداری مکان اهمیت بیشتری می‌یابد. به تعبیر یوکیلتو میراث ناملموس به خود فرهنگ، راه‌های زندگی و دانش روزمره مرتبط است و اینها مباحثی هستند که تا پیش از این، موضوع پژوهش انسان‌شناسان بودند؛ (Jokilehto, 2008: 24) بنابراین حفاظت از میراث ناملموس نیازمند همکاری بین‌رشته‌ای با متخصصان علوم انسانی است. همچنین این حفاظت نیازمند اصلاح و تغییر نگرش درباره‌ی سنت‌ها و عادات زندگی است. چنانچه منشور اروپایی میراث روستایی در ۲۰۱۲ م. «میراث فرهنگی ناملموس روستایی» را آشکارا در معرض خطر «دیدگاهی عقب‌افتاده»^{۲۶} می‌داند که «سنت را در مقابل پیشرفت قرار می‌دهد و عادت‌ها و مهارت‌های جامعه روستایی را منسوخ می‌خواند.» (Council of Europe, 2012: 2)

نسبت مفهوم روح مکان با میراث روستایی

شولتز که مفهوس پدیدارشناسانه مفهوم روح مکان در معماری و شهرسازی محسوب می‌شود؛ معتقد است «روح مکان، گمشده معماری و شهرهای امروز است.» (شولتز، ۱۳۸۸: ۲۷۱) وی همچنین «معماری بومی» را خاستگاه و منشأ هنر مکان می‌داند که آن را به حضور درمی‌آورد. او «روستاها و کشتزارهای جوامع کشاورزی» را به‌عنوان بستر ویژه تجربه هرروزه معماری بومی ستایش می‌کند زیرا حتی تا قرن بیستم به‌صورت مداوم پایداری و ثباتشان را نشان داده‌اند. (شولتز، ۱۳۸۸: ۲۵۳) ازچنین دیدگاهی هر روستا واجد ارزش‌هایی منحصربه‌فرد است؛ زیرا استعداد مکان را به‌منصه ظهور رسانده است. از این‌رو مکان مفهومی کلیدی در فهم میراث روستایی است.

بیانیۀ کبک نیز جوامع محلی و گروه‌های فرهنگی سنتی را بهترین موقعیت برای فراگرفتن روح مکان و حراست از آن می‌داند. بر اساس این سند لازم است جوامع سنتی‌ای که در مکانی سکنی گزیده‌اند از نزدیک در پاسداری از خاطرات مکان، سرزندگی، تداوم و روحیات آن مشارکت داشته باشند. (ICOMOS, 2008: 2) چنین اشاراتی به جوامع محلی و سنتی، اهمیت مکان روستا و جوامع روستایی را روشن‌تر می‌سازد.

تحلیل فراگیر و کلی روند تکامل مفهوم میراث روستایی؛ ترسیم چشم‌انداز آینده

پس از تبیین روند ظهور و پیدایش هر یک از مفاهیم جدید و تحلیل نسبت مستقل هر یک از آن‌ها بر میراث روستایی، در این بخش از منظری فراگیر، کل این روند در نسبت با مفهوم میراث روستایی بررسی و تحلیل شده و با ارائه شواهدی از راه‌های پیموده نشده، شمای کلی چشم‌انداز آینده از تکامل این مفهوم - در حوزه نظری - ترسیم می‌شود.

شاهد اول - هم‌پوشانی مفاهیم نو در اسناد

آنچه از مقایسه میان برخی فرازهای اسناد درباره مفاهیم نو با هم مشخص می‌شود آن است که میان مفاهیم مذکور هم‌پوشانی مفهومی وجود دارد و آنها وجوه معنایی مشترکی دارند. چنانچه برای نمونه در منشور «میراث بوم‌زاد»، میراث بخشی جدایی ناپذیر از «منظر فرهنگی» خوانده شده است؛ (ICOMOS, 150: 2004) در حالی که اصطلاح «روح مکان» نیز مفهومی است که برای درک جامع‌تر از «منظرهای فرهنگی» معرفی شده است. (ICOMOS, 2008: 2) یا با اینکه بیانیه کیمبرلی از «میراث ناملموس» به عنوان «سنت‌های زنده» یاد می‌کند؛ (ICOMOS, 2003: 4) در جایی دیگر ساخته‌های «بوم‌زاد» نیز وجهی از «سنت‌های زنده» معرفی شده‌اند. (ICOMOS, 150: 2004) از سویی «روح مکان» حاوی عناصری ملموس و ناملموس خوانده می‌شود؛ (ICOMOS, 2008: 3) و از سوی دیگر مفهوم «بوم‌زادی» در نسبت با «سنت‌ها و پیوند های ناملموس» تبیین شده است. (ICOMOS, 2004: 150) همچنین مفهوم «منظر فرهنگی» پارادایمی جدید در «توسعه پایدار» و متوازن خوانده شده است. (ICOMOS, 2014: 4) این مقایسه به وضوح نشان می‌دهد که مفاهیم مذکور مستقل از یکدیگر نبوده و علاوه بر هم‌پوشانی مفهومی، به وجهی گمنام و مکتوم از میراث اشاره دارند که عدم توجه به آن در تجربیات عملی قبلی سبب تضعیف هویت میراث شده است. تأمل در این وجوه پنهان پیرو فراخوان ایکوموس برای بحث و گفتگو درباره‌ی توسعه واژگان مفهومی جدید^{۲۷} و تغییرات هستی‌شناسانه (ICOMOS, 2008: 3) مرتبط با مفاهیم میراثی ضرورت دارد.

شاهد دوم - ویژگی مشترک مفاهیم در تناسب با روستا

ویژگی مشترک هفت مفهوم بررسی شده در این مقاله، «چندوجهی» بودن آنهاست که از چندبعدی بودن مفهوم میراث نشأت می‌گیرد. این موضوع اساساً برخلاف ماهیت رو

به تجزیه علم مدرن است. فهم صحت چندوجهی بودن میراث در مصادیق روستاهای سنتی و تاریخی ملموس تر و بارزتر است؛ زیرا در روستا درهم تنیدگی وجوه مختلف زندگی و انسجام خصایل و ارزش‌های مختلف پدیدارتر است. چنانچه هماهنگی غیرقابل انکار میان بافت کالبدی، بافت اجتماعی، شیوه زندگی، تعاملات اجتماعی و سنت‌های زنده در آمیختگی آنها با استعداد مکان در طی سالیان دراز وجود دارد. مفاهیم نوظهور دیگری از جمله «میراث کشاورزی» نیز بر همین ویژگی‌ها تأکید دارند. چنانچه ایکوموس «مطالعه میراث کشاورزی را، میراثی چندوجهی، نوظهور، زنده و مولد که نشان‌دهنده یک چالش علمی مهم و نوپای ماند که در آن رشته‌های مختلف دانش باید با هم مجموعه‌ای از معیارها و ابزارهای محافظت از این منابع میراث فرهنگی را تبیین نمایند.» (ICOMOS, 2010: 6) تأمل درباره این ویژگی‌های میراث روستایی، ضرورت تبیین مبانی هم‌پیوندی میان تخصص‌های مختلف را در حفاظت از این میراث در آینده نزدیک مطرح می‌سازد.

شاهد سوم - تأثیر تلقی‌های فرهنگ‌های مختلف از هستی بر ارتقای مفاهیم جدید

فهم هستی‌شناسی و نوع تلقی فرهنگ‌ها از جهان هستی عاملی کلیدی در ارتقای مفاهیم میراثی است، مشروط بر آنکه با تبیین دقیق نوع باور مردمان مختلف از ارزش‌های سرزمینشان، ابعاد مغفول مفاهیم بین‌المللی میراث روشن شود. به‌عنوان نمونه برای سرخ‌پوستانی که خود را نه «مالک» زمین‌هایشان، بلکه زمین را «پدر» خود و آب جاری هر نهر را «خون نیاکان» شان می‌دانند، (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۹) مفهوم «منظر فرهنگی» متأثر از چنین جهان‌بینی، متفاوت است. یا در نمونه دیگر، تفاوت اساسی اعتقاد بودائیان از «مسیر مدور خط سیر تاریخ» با «تعبیر خطی تاریخی در غرب» (Wijesuriya, 2015: 4) سبب می‌شود تلقی یک بودائی از موضوع تداوم فرهنگی و در نتیجه از مفهوم «میراث زنده» تفاوتی عمیق با جلوه غربی آن داشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد فهم عمیق ارزش‌های میراث روستایی در گرو فهم نوع تلقی مردمان روستایی از هستی - در هر حوزه تمدنی از جمله حوزه تمدنی اسلامی - ایرانی - است.

در فرهنگ اسلامی - ایرانی مفهوم حیات فراتر از حیات زیستی در مرتبه گیاهی، حیوانی و انسانی، مراتبی دیگر دارد. فهم «میراث زندگی» در این حوزه تمدنی بدون توجه به مقصد زندگی و حیات، امکان‌پذیر نیست و تعبیری چون «مرده بدم، زنده شدم» یادآور مفاهیم حیاتی فراتر از زندگی مادی است. (اولیاء، ۱۳۸۹: ۳۰) در این فرهنگ هر جزئی از

طبیعت آیه‌ای از حقیقتی بالاتر است که در حیات معنوی انسان خلیفه‌الله معنا دارد. (نصر، ۱۳۸۰: ۳۲۵) چنین تلقی‌ای از جهان خلقت، مفهوم ژرف‌تری از «میراث زنده» و مراتب آن را یادآور می‌شود. همچنین فرهنگ قناعت و فرهنگ صیانت (اولیاء، بی‌تا: ۲) از جمله مفاهیمی است که ریشه عمیقی در الگوهای زایش و تداوم فرهنگ ایرانی دارد. ارزش‌هایی چون جوانمردی، تولید مداری، احترام به مخلوقات الهی و ... تنها مثال‌هایی گویا از الگوهای فرهنگی ریشه‌دار در روستاها هستند که مفهوم «میراث ناملموس» را در این نوع تلقی عمق می‌بخشد؛ بنابراین تعمق بر «نظام معرفتی» مولد این میراث که «جان میراث فرهنگی» تلقی می‌شود (اولیاء، ۱۳۸۹: ۳۵) اهمیت دارد چرا که عامل تکوین و زایش همه این «نمودها و بروزها» است. این تأمل می‌تواند در تعمیق مفاهیم مذکور یا

انشاء مفاهیم نو -در این حوزه فرهنگی- مؤثر باشد. بنابراین در جمع‌بندی و تحلیل کلی چشم‌انداز آینده تکامل مفهوم میراث روستایی، می‌توان گفت مفاهیم مؤثر بر ارتقا این مفهوم مستقل از یکدیگر نبوده و به وجهی ناشناخته و پنهان از میراث اشاره دارند. چندبعدی بودن این مفاهیم با ماهیت چندوجهی میراث روستایی متناسب است و رویکردی که بتواند میان تخصص‌های مختلف و وجوه مادی و معنوی آن وحدت برقرار کند، چالشی علمی فراروی حفاظت روستا است. در نهایت روستا «به عنوان یک کل» با همه ابعاد پیدا و پنهانش با جلوه‌های بیرونی، سنت‌ها و نمودهای ناملموسش و همچنین «اندیشه پشتیبان موجد آن و باورها و تلقی‌های هستی‌شناسانه مردمانش» شایسته حفاظت و تداوم است.

نتیجه‌گیری

این مقاله در پی تبیین ماهیت بسط یافته مفهوم میراث روستایی بود و به این منظور در طی آن روند تکامل اسناد حفاظت با ورود مفاهیم جدید شامل هفت مفهومی که در منشور ونیز وجود نداشت، بررسی شد. در بخش اول سیر ظهور و پیدایش و سپس ارتقا مفهومی آنها در اسناد مذکور تبیین شد. در بخش دوم نسبت هر یک از این مفاهیم با میراث روستایی به طور مستقل تحلیل شد و در ادامه مشخص شد که هر یک از آنها مفاهیمی کلیدی در فهم ارزش‌های روستا هستند که خود در طول زمان رو به ارتقا بوده یا اینکه ظرفیت مفهومی آنها به تکمیل مفهوم میراث روستایی منجر شده است. همچنین به ضرورت‌های تغییر رویکرد در حفاظت از این میراث -با توجه به ابعاد جدید آن- در هر یک از این مفاهیم اشاره شد. در بخش سوم مقاله روند کلی تکامل مفهوم میراث روستایی در اسناد حفاظت با ارائه سه دسته از شواهد مختلف از منظری فراگیر تحلیل شد. با نشان دادن نمونه‌هایی از هم‌پوشانی مفاهیم نو در اسناد، بر وجود وجه مکتوم در پس این مفاهیم اشاره شد. سپس بر ویژگی مشترک «چندوجهی» بودن آنها در تناسب با موجودیت چندوجهی روستا تأکید شد. همچنین ضرورت یافتن پاسخ مناسب برای چالش چگونگی وحدت و هم‌پیوندی میان تخصص‌های مختلف -در حفاظت از میراث روستایی- اشاره شد. ضرورت تبیین باورها و نگرش‌های مردمان روستایی در حوزه تمدنی ایرانی-اسلامی با ارائه شواهدی مبنی بر تأثیر تلقی فرهنگ‌های مختلف از هستی، ارتقای مفاهیم جدید و وجود برخی مفاهیم عمیق در فرهنگ ایرانی -اسلامی، مطرح شد. در نهایت چشم‌انداز آینده مفهوم میراث روستایی در تأمل بر این وجوه پنهان و راه‌های پیموده نشده در این حوزه مفهومی ترسیم شد.

پی‌نوشت

۱. به عنوان مثال میراث صنعتی، میراث زیر آب و ...

2. Widened cannottation
3. Cross- disciplinary
4. Multiplicity of values
5. A living heritage
6. A living moument
7. J.J.Bourasse(1806-1867)
8. Carl Weber(1820-1908)

9. Louis Cloquet(1849-1920)
۱۰. در زمان نوشتن منشور ونیز از آنجا که منشور بر حفاظت از بافت و یا مواد باقی مانده تأکید دارد، بهره‌برداری و یا کاربری که ابنیه برای آن ساخته شدند، نگرانی عمده نبود. همچنین تمایزی میان استفاده اصلی و فعلی که ممکن است متفاوت باشد، در ارزیابی «ارزش کاربردی» مطرح نبود. از این رو تعریف یادمان مرده و زنده که در نسبت با تداوم کاربری اصلی بود، منتفی شد.
11. Patrick geddes(1854-1932)
12. The quality of life/ life style
13. Cultural landscape
14. Conservation areas
15. Intangible heritage
16. The spirit of place
17. Cultural places of significance
18. Genius loci
19. Quebec
۲۰. موزه میراث روستایی گیلان، هرچند اقدامی بدیع و بسیار ارزشمند در ثبت و توجه به میراث روستایی فراهم ساخته است، اما به عنوان راهبردی فراگیر در حفظ میراث زنده روستایی قابل تعمیم نیست. این موزه از گونه موزه فضای باز است. در بخشی از بیانیه ایکوموس ۲۰۰۱ م. آمده است: «اگر ما نخواهیم که تنها برداشت نسل آینده درباره معماری روستایی تاریخی منطقه‌شان به بازدید از موزه‌های فضای باز محدود شود، بایستی برای حفظ و نگهداری این میراث منحصر به فرد در بستر اصیل خود بکوشیم.»
21. Life heritage
22. Traditional family life
23. Fujian Tulou
24. Overall character
25. Mechtild Rossler
26. Backward-looking view
27. a new conceptually vocabulary

منابع و مآخذ

- ابویی، رضا؛ اولیاء، محمدرضا؛ یادگاری، زهره و افاضت، شهاب. (۱۳۹۴). مقایسه‌ی تحلیلی نگرش غربی حفاظت با جهان‌بینی اسلامی در تبیین وجوه فرا کالبدی میراث معماری. پژوهش‌های معماری اسلامی. (۳)، ۹۷-۸۴.
 - اولیاء، محمدرضا. (۱۳۸۹). میراث در اغماء. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. تهران: صندوق احیاء، ۴۱-۲۵.
 - _____. (بی‌تا). فرهنگ صیانت. مجموعه مقالات دکتر محمدرضا اولیا. چاپ نشده.
 - بامداد، علی. (۱۳۹۴). سیر تحول مفهوم منظر فرهنگی. معماری و شهرسازی همشهری. (۲۹)، ۵۵-۵۲.
 - شولتز، کریستین نوربرگ. (۱۳۸۸). روح مکان به سوی پدیدارشناسی معماری. محمود رضا شیرازی (مترجم). چاپ سوم، تهران: رخ داد نو.
 - طالبیان، محمدحسن و فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۸). منظرهای فرهنگی. مجموعه مباحث کارگاه کارشناسی ارتقای مدیریت و برنامه‌ریزی منظرهای فرهنگی میراث جهانی. تهران: بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد.
 - کوششگران، سید علی‌اکبر. (۱۳۸۶). شناسایی عوامل و زمینه‌های مؤثر بر تبیین منشور حفاظت میراث روستایی. رساله دکتری. دانشگاه علم و صنعت ایران.
 - نصر، سید حسین. (۱۳۸۰). معرفت و معنویت. انشاء... رحمتی (مترجم). چاپ دوم، تهران: دفتر نشر سپهروردی.
 - یوکیلهتو، یوکا. (۱۳۸۷). تاریخ حفاظت معماری. محمدحسن طالبیان (مترجم). چاپ اول. تهران: روزنه.
- Batty, M. & Marshall, S. (2009). The evolution of cities, <http://www.complexcity.info/files/2011/06/batty-tpr-2009.pdf>. (Retrieved Dec 27. 2016).



- Council of Europe.(1979). On the rural architectural heritage. www.assembly.coe.int/Mainf.asp?link=/Documents/AdoptedText/ta79/EREC881.htm .(Retrieved July 10. 2013)
- Concil of Europe. (1985). Convention for the protection of the Architectural Heritage of Europe. <http://www.conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/-Html/121.htm>.(Retrieved July 10, 2013).
- Concil of Europe.(1996). European Charter for Rural Areas, Recommendation1296, from assembly.coe.int/Main.asp?link=/Documents/AdoptedText/ta96/EREC1296.htm. (Retrieved July 10. 2013)
- Council of Europe. (2003). European Rural Heritage Observation Guide. <http://www.coe.int/t/dgap/localdemocracy/cemat/VersionGuide/Anglais.pdf>.(Retrieved May 14. 2013).
- Council of Europe. (2005). Framework Convention on the Value of Cultural Heritage for Society. <http://www.coe.int/en/web/conventions/full-list/-/conventions/treaty/199>. (Retrieved July 10.2013).
- Council of Europe. (2012). The Pan-European Charter of rural heritage: for a sustainable territorial development. <http://www.coe.int/t/dgap/localdemocracy/cemat> .(Retrieved May 14.2013).
- Dabaieh,M.(2011) .A Future for the Past of Desert Vernacular, Lund University,Sweden, Architecture <https://lup.lub.lu.se/search/ws/files/59068832224661/>.pdf.(Retrieved Dec 18. 2016)
- Foley, E. (2010). A conservation strategy for sustaining the cultural significance of rural landscapes, Master Of Landscape Architecture, The university of Guelph, Canada<http://search.proquest.com/docview/845530730>.(Retrieved Nov12.2011).
- ICOMOS. (1982). Tlaxcala Declaration on the Revitalization of Small Settlements. <http://www.icomos.org/en/charters-and-texts>. (Retrieved June 5, 2013)
- ICOMOS. (1996). the Declaration of San Antonio. <http://www.icomos.org/en/charters-and-texts> (Retrieved June 5. 2013)
- ICOMOS. (2000). Heritage @ Risk: Vernacular Heritage. www.international.icomos.org/risk/world_report (Retrieved June 8. 2014)
- ICOMOS. (2001). Save Our Historic Villages, Celebrate the 18th of April. <http://international.icomos.org/18thapril/18april2001.htm>(Retrieved June 7. 2014).
- ICOMOS. (2003). Towards a declaration on intangible heritage and monuments and sites <http://www.icomos.org/victoriafalls2003/kimberley.pdf>.(Retrieved June 10. 2013).
- ICOMOS. (2004). International Charters for Conservation and Restoration, edited by Michael Petzet & John Ziesemer. <http://openarchive.icomos.org/id/eprint/431>. (Retrieved June 10. 2013).
- ICOMOS. (2008). The Quebec Declaration on the Preservation of the Spirit of The Place .http://www.icomos.org/quebec2008/quebec_declaration. (Retrieved June 10. 2013)
- ICOMOS. (2010). The International Day for Monuments and Sites, “The Heritage of Agriculture” <http://edoc.hu-berlin.de/kunsttexte/20101-/tag-denkmal-23/PDF/tag.pdf>. (Retrieved June 20.2015).
- ICOMOS.(2011a). The Paris Declaration on Heritage as a Driver of Development. http://www.icomos.org/Paris2011/GA2011_Declaration_de_Paris_EN_20120109.pdf.(Retrieved June 10. 2013).
- ICOMOS. (2014). The Florence Declaration on Heritage and Landscape as Human Values. <http://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Secretariat/2015> (Retrieved october 10. 2014).
- Jokilehto, J. (2005). Definition of Cultural Heritage References to Documents in History.http://cif.icomos.org/pdf_docs/Documentsonline/Heritagedefinitions.pdf.(Retrieved June 18. 2013)
- Jokilehto, J. (2008). On Definitions of Cultural Heritage, ICOMOS-ICLAFT e-journal.<http://>



- www.siteresources.worldbank.org/INTCHD/.../articleJukkaJokilehto.pdf, (Retrieved June 18., 2013)
- Rouard, Jean-Claude,(2001) , Discovering, knowing and identifying the rural heritage, **Journal of naturopa (council of Europe)**, Vol. 95, 46-.
 - UNESCO, (2003). Convention for the Safeguarding of Intangible Cultural Heritage, www.portal.unesco.org/culture. (Retrieved June 18. 2013)
 - UNESCO. (1986). Studies and Documents on The Vernacular Architecture and Its Conservation. <http://unesdoc.unesco.org/images/0006068316/000683/eb.pdf>. (Retrieved Dec 18, 2016)
 - Wijesuriya,G.(2015) .The Living Heritage Approach, ICCROM. http://www.iccrom.org/wp-content/uploads/PCA_Annexe-1.pdf. (Retrieved Dec 27.2016).
 - World Heritage Centre. (2012).Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention. <http://whc.unesco.org/archive/opguide12-en.pdf>. (Retrieved Dec 18, 2016).

Received: 2015/10/26

Accepted: 2017/01/07



Seven effective concepts in international conservation documents after Venice charter on conservation of rural heritage

Mahdi Sadegh ahmadi* Reza Abouei** Hadi Nadimi***

Abstrac

The international conservation documents are one part of the most consequential achievements of human community's collaboration in recent 50 years. These documents are the abstract of international experiences as well as demonstrating the increase and evolution of communal knowledge and conception in the conservation field. The expansion of new conceptual vocabulary, and also the entrance of novel meanings to the documents after the Venice charter, has caused the conservation doctrine to be improved and the more complicated heritage patterns such as rural heritage, to be considered. Mentioning some of these meanings has directly affected on the overall admission of some neglected aspects of village - as a dominant part of human heritage, and some others in presenting more elaborated and multidisciplinary attitude to it. The purpose of this study is to discuss the effective concepts in the documents and to analyze how effective they would be on improving the necessity of rural values conservation. This paper is the result of analyzing and studying about forth documents extracted from 3 international organizations: UNESCO, ICOMOS and Council of Europe, hence limited to them. Library studies and investigation of the original texts have provided the necessary basic information for the essay. This study is considered to be categorized in qualitative researches, following a descriptive-analytic research strategy. This essay is exploring the appearance of seven meanings, having the most influence on the genesis and evolution of the concept of rural heritage: living heritage, quality of life, sustainability, cultural landscape, vernacular, intangible heritage and the spirit of the place. The following study reveals that each one of those meanings being recognized precisely, can illuminate widely the new aspects of rural heritage and lead to approximate the "rural heritage" to the total concept of "village". The overall analysis of this process illuminate that the future vision of the evolutionary concept of "rural heritage" will confront the challenge of multiplicity and adopting it with its ontological roots.

Key words: Rural Heritage, living heritage, vernacular heritage, intangible heritage, International Conservation Documents.

* Ph.D candidate, the Art University of Isfahan.

** Associate Professor & Faculty Member of the Art University of Isfahan.

*** Professor. Faculty Member of Shahid Beheshti University.